

آزادی بیان چیست و چه تأثیری بر زندگی روزمره ما دارد؟

آزادی بیان اصلی است که از آزادی یک فرد یا یک جامعه برای بیان نظرات و عقاید خود بدون ترس از پیگرد، سانسور یا موانع قانونی دیگر حمایت می‌کند.

نظرات و عقاید شما به عنوان یک انسان مهم است و شما حق دارید افکارتان را با دیگران به اشتراک بگذارید و جهانی بهتر را مطالبه کنید. شما همچنین حق دارید با صاحبان قدرت موافق یا مخالف باشید و نظرات خودتان در باب چنین مسائلی را در قالب تجمعات مسالمت‌آمیز بیان کنید.

آزادی بیان یکی از مفاد حقوق اساسی بشر است که تمام حقوق انسانی دیگر را تقویت می‌کند و برای جامعه امکان توسعه و پیشرفت را فراهم می‌کند. در واقع توانایی بیان آزادانه افکار و عقاید فردی برای ایجاد تغییر و تحول در جامعه ضروری است.

آزادی بیان اصلی است که از آزادی یک فرد یا یک جامعه برای بیان نظرات و عقاید خود بدون ترس از پیگرد، سانسور یا موانع قانونی دیگر حمایت می‌کند.

حق آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و همین‌طور قوانین بین‌المللی حقوق بشر که مصوب سازمان ملل متحد هستند به عنوان یکی از مصادیق اصلی حقوق بشر شناخته شده است. علاوه بر این در قانون اساسی بسیاری از کشورها به طور مشخص از آزادی بیان حمایت شده است.

بنابراین در دنیای امروزی این مسأله کاملاً پذیرفته شده است که آزادی بیان بخشی اساسی از ارکان یک جامعه دموکراتیک است و باید توسط اجتماع و ساختار حکومتی مورد حمایت قرار گیرد.

اما سؤال مهم در خصوص آزادی بیان این است که حد و مرز این آزادی تا کجاست؟ در پاسخ به این پرسش برخی معتقدند که آزادی بیان باید به هر قیمتی و بدون هیچ حد و مرزی، در تمام ارکان زندگی اجتماعی ما اعمال شود، در مقابل برخی دیگر هم معتقدند که این رویکرد می‌تواند بهانه‌ای برای بیان مطالب مضر و مخرب باشد، بدون اینکه هیچ نوع پیگرد یا توبیخی دامن‌گیر گوینده‌ی آن مطالب باشد.

در ادامه‌ی این مقاله در ابتدا ما به بررسی مفهوم آزادی بیان و خواستگاه آن می‌پردازیم، سپس اهمیت آن را در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و ارتباط آن با سانسور و «فرهنگ کنسل» را مورد کاوش قرار می‌دهیم و در انتها به بررسی محدودیت‌های مربوط به آزادی بیان و تفاوت‌های اجرایی آن در سطح جهان می‌پردازیم.

ضمناً به خاطر داشته باشید که این مطلب به هیچ عنوان یک راهنمای رسمی در خصوص قوانین مربوط به آزادی بیان نیست، بلکه صرفاً کاوشی است در ارتباط با دیدگاه‌های مختلف طرح شده در خصوص مفهوم آزادی بیان.

آزادی بیان چیست؟

تعاریف مختلفی از آزادی بیان وجود دارد، اما در هسته‌ی همه‌ی آن‌ها یک عنصر مشترک است؛ حق قانونی بیان یا شنیدن ایده‌ها و نظرات مختلف به صورت آزادانه و بدون ترس از سانسور یا اقدام قانونی. آزادی بیان به این معنی است که افراد حق دارند به هر طریقی که می‌خواهند نظرات خود را اظهار کنند.

آیا آزادی بیان جزو مفاد حقوق بشر است؟

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ توسط نمایندگان ۵۰ کشور عضو سازمان ملل متحد تدوین شد. این اعلامیه در حقیقت در پاسخ به جنگ جهانی دوم ایجاد شد، با این هدف که ابزاری در راستای جلوگیری از تکرار چنین درگیری‌های گسترده‌ای باشد.

این اعلامیه شامل ۳۰ ماده‌ی قانونی برای دفاع از حقوق بشر بود و به گونه‌ای طراحی شده بود که متناسب با مطالبات حقوق بشری تمام مردم جهان باشد و حقوق انسانی هیچ شخصی پایمال نشود.

ماده‌ی ۱۸ و ۱۹ این بیانیه مواردی هستند که بیشترین ارتباط را با مفهوم آزادی بیان دارند. در حقیقت ماده‌ی ۱۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که هر انسان این آزادی را دارد تا به هر آنچه که می‌خواهد باور داشته باشد و به عقاید خود (از جمله دین) عمل کند. ماده‌ی ۱۹ نیز بیان می‌کند که هر کس حق دارد آزادانه نظرات خودش را به هر طریقی که می‌خواهد بیان کند.

این بیانیه سپس مبنایی شد برای وضع قوانین مختلف حقوق بشری در سراسر جهان، از جمله ماده‌ی ۱۰ قانون حقوق بشر در بریتانیا. به عنوان مثال این

ماده حق آزادی بیان بدون مداخله را به شهروندان این کشور اعطا می‌کند، اما همچنین خاطرنشان می‌کند که ممکن است تحت شرایطی خاص این آزادی فردی و اجتماعی به حالت تعلیق دربیاید، مانند در صورت بروز مخاطرات مربوط به امنیت ملی.

آیا آزادی بیان به این معناست که می‌توانید هر چیزی را که خواستید بگویید؟

جواب کوتاه به این پرسش، نه است. اما پاسخ کامل‌تر این است که قوانین مربوط به آزادی بیان به کشوری که در آن سکونت دارید بستگی دارد، اما به طور کلی، همیشه استثناهایی در مورد هر قاعده‌ای وجود دارد. به عنوان مثال، در ماده‌ی ۱۰ قانون حقوق بشر در بریتانیا، این نکته ذکر شده که مقامات دولتی می‌توانند حق آزادی بیان را در این کشور محدود کنند، در صورتی که:

نگرانی‌هایی در خصوص امنیت ملی یا امنیت عمومی این کشور وجود داشته باشد.
مقامات تصمیم بگیرند که از بی‌نظمی یا جنایات جلوگیری کنند.
مقامات قصد داشته باشند که از سلامت یا وضعیت اخلاقی جامعه محافظت کنند.
مقامات قصد داشته باشند که از حقوق و آبروی شخصی محافظت کنند.
مقامات قصد داشته باشند که از اطلاعات محرمانه محافظت می‌کنند.
مقامات قصد داشته باشند که اقتدار و بی‌طرفی قضات را حفظ کنند.

آزادی بیان در سطح جهان

همان‌طور که قبلاً توضیح دادیم، آزادی بیان یکی از مفاد جهانی حقوق بشر است، اما کشورهای مختلف در نظام حقوقی خود آن را به شیوه‌های متفاوتی تفسیر می‌کنند. ما می‌توانیم با نگاهی به وضعیت شهروندان کشورهای مختلف، تصویری از آزادی بیان در آن کشور داشته باشیم.

در یک مطالعه، محققان از شهروندان ۳۸ کشور مختلف در مورد نگرش آن‌ها نسبت به آزادی بیان نظرسنجی کردند. طبق تصور قالب ایالات متحده به عنوان قوی‌ترین حامی آزادی بیان در جهان ظاهر شد و سایر کشورهایی که سطح بالایی از آزادی بیان را داشتند شامل مکزیک، ونزوئلا، کانادا و استرالیا بودند.

برخی از کشورهایی که سطح پایینی از آزادی بیان را داشتند عبارت‌اند از سنگال، بورکینافاسو، اردن، پاکستان و اوکراین. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اصل آزادی بیان یک مفهوم برای همه‌ی مردم جهان یک شکل و یک اندازه نیست و بستگی زیادی به قانون اساسی و فرهنگ کشور مورد نظر دارد.

چرا آزادی بیان مهم است؟

دلایل زیادی برای این مسأله وجود دارد که چرا آزادی بیان مهم است. البته بزرگ‌ترین دلیل این است که مفهوم آزادی در نظام دموکراسی از اولویت زیادی برخوردار است. اگر ما نتوانیم که آزادانه صحبت کنیم، اغلب به این معنی است که آزادی‌های ما به نوعی محدود شده است.

حقیقت این است که همه‌ی انسان‌ها اشتباه می‌کنند و طی تعاملات خود با جهان به نوعی یاد می‌گیرند که اشتباهات خود را اصلاح کنند. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که به ما در اصلاح باورها و نظراتمان کمک می‌کند گوش دادن به استدلال‌های مختلف و متناقض است.

بحث‌های انتقادی بخشی اساسی از تجربه یادگیری انسان است و بدون اینکه افراد قادر به بیان عقاید متضاد یا مخالف خود باشند، گفتگوها و بحث‌های انتقادی هم وجود نخواهد داشت. به این ترتیب، اختلاف‌نظرها می‌تواند بسیار سازنده باشد و باعث پیشرفت فکری جوامع شود.

به‌علاوه، حتی اگر استدلال‌های نادرست و نگرش‌های متضاد در جامعه‌ای با توسل به زور خاموش شود، این نوع افکار لزوماً از بین نمی‌روند. در عوض، آن‌ها می‌توانند به رویکردی رادیکال‌تر تبدیل شوند.

علاوه بر این از آنجایی که حکومت‌های تمامیت‌خواه فقط به افرادی آزادی بیان می‌دهند که هم‌صدای خودشان هستند و نظراتی مشابه با خودشان دارند، این نوع رفتار یک اتاق پژواک ایجاد می‌کند که در آن شما فقط نظراتی را می‌شنوید که از یکدیگر حمایت می‌کنند و گفتمان انتقادی در چنین فضایی هیچ نقشی ندارد. در مقابل، آزادی بیان اجازه می‌دهد تا ایده‌ها به چالش کشیده شوند، اصلاح شوند و بهتر درک شوند.

حدود آزادی بیان تا کجاست؟

ما قبلاً درباره برخی از دلایلی صحبت کردیم که چرا یک دولت ممکن است حق آزادی بیان را محدود کند، بنابراین می‌دانیم که آزادی بیان نیز دارای محدودیت‌هایی است.

با این حال، همچنین شایان ذکر است که آزادی بیان بسته به زمینه‌ی خاصی که در آن قرار دارید با محدودیت‌هایی مواجه است.

برای مثال، حتی اگر این حق انسانی شما باشد که آزادانه نظرات خود را بیان کنید، اما این کار را در محل کار خودتان به گونه‌ای انجام دهید که باعث توهین به همکارانتان شود و یا نگرش ریاستان را نسبت به شما تغییر دهد، در آن صورت آزادی بیان می‌تواند تأثیرات مخربی روی زندگی شغلی شما

بگذارد.

در واقع، اگر آزادانه صحبت کردن شما آزادی دیگران را نقض کند، رفتاری نامناسب تلقی می‌شود.

آیا آزادی بیان در پلتفرم‌های دیجیتال هم اعمال می‌شود؟

اغلب اوقات، ما با نظرات و اظهارات بحث‌برانگیزی در فضای اینترنت مواجه می‌شویم. به همین دلیل است که ارزیابی نقش پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در بحث آزادی بیان مهم است.

در واقع برخی از متخصصین معتقدند که اینترنت توسط برخی افراد برای ترویج تروریسم و افراط‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این به این دلیل است که گاهی اوقات پلتفرم‌های دیجیتال متهم به فراهم کردن بستری برای تبلیغ دیدگاه‌های مخرب و حتی برنامه‌ریزی برای حملات تروریستی می‌شوند.

به همین علت، پلتفرم‌های دیجیتال نقش بسیار زیادی در بحث آزادی بیان دارند، زیرا آن‌ها باید تمام تلاششان را بکنند تا ضمن محدود نکردن آزادی بیان افراد اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های مخرب و خطرناک روی پلتفرم‌هایشان انجام نمی‌شود.

استثنائات نادری در این مورد وجود دارد، مانند زمانی که توییتر اخیراً دونالد ترامپ را تحریم کرد، اما لایحه‌ای به زودی پس از آن تصویب شد که مانع از آن می‌شود تا شبکه‌های اجتماعی، سیاستمداران را به این شکل از پلتفرم خود حذف کنند.

در واقع به واسطه‌ی اصل عدم پذیرش مسئولیت در قبال محتوای تولید شده توسط کاربران، پلتفرم‌های دیجیتال مانند سایر رسانه‌ها اطلاعات را فیلتر نمی‌کنند و فضای بالقوه‌ی زیادی برای تولید اخبار جعلی، نظرات غیر مستند و حتی ایده‌های مخرب ایجاد می‌کنند.

مشکل این است که فیلتر کردن این اطلاعات به نوعی نقض آزادی بیان است، بنابراین پیدا کردن حد وسطی برای محتوای پلتفرم‌های دیجیتال بسیار دشوار است.

با این حال، اخیراً فیس‌بوک و توییتر تلاش کرده‌اند تا اخبار جعلی را بررسی کنند و جلوی انتشار آن‌ها را بگیرند.

آیا اینترنت جزو عرصه‌ی عمومی محسوب می‌شود؟

در حقیقت یکی از دلایل دشوار بودن فرایند نظارت بر اینترنت این است که اینترنت یک نوع انجمن عمومی محسوب می‌شود. اینترنت بستری را برای افراد فراهم می‌کند که در غیر این صورت از ابراز نظرات خود محروم می‌شدند.

در فضای اینترنت به جای اینکه فقط شرکت‌های رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران ارائه‌دهندگان اطلاعات باشند، دیدگاه‌های بی‌شماری روزانه از سوی شهروندان عادی به جهانیان ارائه می‌شود.

این مسأله می‌تواند در مواردی خاص بسیار قدرتمند باشد، مانند زمانی که مردم شاهد سوءاستفاده مقامات حکومتی یا پلیس از قدرت خود هستند. درست همانند ماجرای کشته شدن جرج فلوید توسط پلیس و انتشار فیلم آن توسط مردم عادی در فضای مجازی. حقیقت این است که قدرت داستان‌سرایی آنلاین را نمی‌توان دست‌کم گرفت.

با این حال، اینترنت امکان اشتراک‌گذاری رایگان اطلاعات و نظرات را در شرایط عادی برای همه افراد فراهم می‌کند. برای مثال، ویکی‌پدیا را در نظر بگیرید، که مقالات آن توسط هر کسی که تمایل به مشارکت دارد، می‌تواند تألیف، ویرایش و بررسی شود.

آزادی بیان در مقابل نفرت‌پراکنی

یکی از انتقاداتی که در مورد آزادی بیان بدون محدودیت به آن اشاره می‌شود این است که این نوع آزادی بی‌حد و حصر می‌تواند موجب نفرت‌پراکنی در جامعه بشود. در واقع نفرت‌پراکنی را می‌توان به عنوان بیان سخنان توهین‌آمیز و تهدیدآمیز نسبت به گروه خاصی از مردم تعریف کرد که عموماً بر اساس تعصبات مرتبط با مسائل ملی مثل نژاد، جنسیت، مذهب یا ناتوانی هستند.

برخی ممکن است بپرسند، از آنجایی که مردم باید اجازه داشته باشند که عقیده‌ی خود را بیان کنند و نظراتشان ابراز کنند، چرا این امکان وجود ندارد که افراد نسبت به چیزهای خاصی ابراز نارضایتی کنند؟

در واقع این استدلالی است که اغلب توسط طرفداران آزادی کامل بیان، حتی نفرت‌پراکنی، بیان می‌شود. با این حال، مردم ممکن است با این استدلال مخالف باشند و خواهان آن باشند که مرز واضح‌تری بین اظهار بی‌زاری و تحریک خشونت در جامعه ترسیم شود.

آیا آزادی بیان می‌تواند بهانه‌ای برای رفتارهای نژادپرستانه و تبعیض در اجتماع باشد؟

علت اصلی دشواری تصمیم‌گیری در مورد این مسأله است که چه چیزی توهین‌آمیز است و چه چیزی توهین‌آمیز محسوب نمی‌شود. در واقع بهتر است

بپرسیم اگر همه سخنانی را که ممکن است افراد مختلف توهین‌آمیز بدانند ممنوع کنیم، چقدر فضا برای گفتگو و مکالمه باقی می‌ماند؟

اگرچه توهین یک مفهوم ذهنی است و به شدت به دیدگاه فردی شخص بستگی دارد، اما می‌توان چنین استدلال کرد که قانون وظیفه دارد از مردم در برابر تهدیدات و رفتارهای خشونت‌آمیز هر چند در سطح کلامی، محافظت کند.

سخنان مبتنی بر نفرت‌پرانی به یک الگوی رایج در نظام تبلیغات سیاسی تبدیل شده است، حتی در نظام‌های کاملاً دموکراتیک غربی، باز هم خواهناخواه چنین اظهاراتی اقلیت‌ها، زنان، مهاجران و عناصر ضعیف‌تر جامعه را هدف قرار می‌دهد و دامنه‌ی تنوع عقاید را در جامعه کاهش می‌دهد.

این پدیده به دلیل هویت ناشناس افراد در فضای اینترنت که پیگردی را متوجه آن‌ها نمی‌کند، بیشتر تشدید شده است.

آیا سانسور آزادی بیان را نقض می‌کند؟

مبحث سانسور اغلب در رابطه با آزادی بیان طرح می‌شود، زیرا مردم سراسر جهان غالباً احساس می‌کنند که به‌طور ناعادلانه‌ای در فضای مجازی سانسور می‌شوند و حقوقشان نقض می‌شود. پدیده‌ی سانسور را می‌توان به عنوان سرکوب نشر اطلاعات تعریف کرد، اگرچه اغلب به چیزهایی مانند تصاویر، محتویات کتاب‌ها و برنامه‌های تلویزیونی مربوط می‌شود.

می‌توان استدلال کرد که برخی از اشکال سانسور ضروری هستند. برای مثال، وب سایت‌هایی که کودکان به طور منظم به آن‌ها دسترسی دارند ممکن است تصاویر نامناسب را سانسور کنند. با این حال، قوانین مربوط به سانسور می‌تواند در فضای آنلاین بسیار مبهم باشد و حتی در بسیاری از شرایط سانسور می‌تواند رفتاری ناعادلانه باشد. در ادامه به جزئیات بیشتری در این خصوص می‌پردازیم.

خطرات سانسور

سانسور اینترنت یک تهدید مستقیم برای آزادی جامعه در جهت دسترسی به اطلاعات و بیان نگرش‌های خودش است. در واقع مسئله اساسی این است که هیچ نوع قوانین و مقررات واضحی در بسیاری از پلتفرم‌های دیجیتال وجود ندارد، به این معنی که ما حتی به ندرت می‌دانیم که آن‌ها چه چیزی را ممکن است سانسور و یا مسدود کنند.

به عنوان مثال در سال گذشته یک مدل معروف به نام نیکولاس ویلیامز (Nyome Nicholas-Williams) یک تصویر معمولی از خودش را در اینستاگرام منتشر کرد و بدون اینکه او هیچ یک از قوانین اینستاگرام را زیر پا بگذارد، تصویرش بارها حذف شد و این مسأله به سر تیتز خبرهای حوزه‌ی فناوری تبدیل شد.

مشکل اینجاست که پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام در مورد مسائلی مثل برهنگی به صورت موردی عمل می‌کنند و فضای زیادی برای اعمال تعصب، تبعیض و سانسور ناعادلانه باقی می‌گذارد.

به طور کلی، همه‌ی ما می‌دانیم که سانسور اطلاعات توسط دولت می‌تواند بسیار خطرناک و مضر باشد. سانسور شدید اغلب یکی از ویژگی‌های حکومت‌های دیکتاتوری است و شهروندان چنین جوامعی به جای دسترسی به اخبار، کتاب‌ها و انواع دیگر اطلاعات با تبلیغات حکومتی تغذیه می‌شوند. در واقع این کار نقض مستقیم حقوق بشر و آزادی بیان است.

آیا فرهنگِ کنسل (Cancel culture) نوعی سانسور است؟

یک پدیده اجتماعی بسیار رایج در دنیای امروز فرهنگ کنسل (فرهنگ تبعید) است. ایجاد محدودیت برای آزادی بیان از طریق طرد در اجتماع یا فضای دیجیتالی یک حمله‌ی مستقیم مانند سانسور اعمال شده از سوی دولت یا پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی نیست، اما می‌تواند راهی مؤثر برای تخریب یک فرد، گروه یا نهاد باشد.

فرهنگ کنسل به جای اینکه مستقیماً کسی را از بیان نظراتش منع کند، روشی است که مردم از آن طریق به گوینده می‌گویند که نمی‌خواهند سخنان او را گوش دهند.

معمولاً فرهنگ کنسل پاسخی است به کسی که مطلبی غیرقابل قبول را بیان می‌کند یا رفتاری نادرست را انجام می‌دهد. این پدیده معمولاً شامل این می‌شود که مردم حمایت خود را از فرد کنسل شده پس می‌گیرند، اما می‌تواند شامل تلاش برای اعمال تأثیرات منفی بر آینده شغلی فرد نیز باشد.

به دلایلی که قبلاً گفتیم، کنسل کردن یا تبعید کردن افراد می‌تواند آسیب‌زا باشد، زیرا این بدان معناست که ما از تعامل با آن‌ها و ایجاد گفت‌وگو انتقادی خودداری می‌کنیم. با این حال، درست و غلط این مسأله واقعاً به دلایلی بستگی دارد که به خاطر آن کسی از عرصه‌ی اجتماع طرد می‌شود.

نکته‌ی مهمی که باید به خاطر داشته باشید این است که درخواست از شخصی برای پاسخگویی در مورد صحبت‌ها یا اقداماتش به عنوان بخشی از فرهنگ کنسل تلقی نمی‌شود. با این حال، انتقاد از فرهنگ کنسل نباید بهانه‌ای برای عدم مسئولیت‌پذیری افراد در قبال اقدامات و گفته‌های مخرب آن‌ها باشد، همان‌طور که حق آزادی بیان نباید بهانه‌ای برای گسترش نفرت در جامعه باشد.